

نزول روح القدس

¹ و چون روز پَنطیکاست رسید، به یک دل در یکجا بودند.² که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت.³ و زبانه‌های منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت.⁴ و همه از روح القدس پر گشته، به زبانهای مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تَلَفُّظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند.

⁵ و مردمِ یهودِ دیندار از هر طایفه زیر فلک در اورشلیم منزل می‌داشتند.⁶ پس چون این صدا بلند شد گروهی فراهم شده، در حیرت افتادند زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید.⁷ و همهٔ مبهور و متعجب شده به یکدیگر می‌گفتند: مگر همهٔ اینها که حرف می‌زنند جلیلی نیستند؟⁸ پس چون است که هر یکی از ما لغت خود را که در آن تولد یافته‌ایم می‌شنویم؟⁹ پارتیان و مادایان و عیلامیان و ساکنان جزیره و یهودیه و کَپَدُکیا و پَنطُس و آسیا¹⁰ و قَرِیچَه و مِمْفِلَه و مصر و نواحی لیبیا که متصل به قیروان است و غربا از روم، یعنی یهودیان و جدیدان¹¹ و اهل کَریت و عَرَب، اینها را می‌شنویم که به زبانهای ما ذکر کبریا می‌کنند.¹² پس همه در حیرت و شک افتاده، به یکدیگر گفتند: این به کجا خواهد انجامید؟¹³ اما بعضی استهزاکنان گفتند: که از حَمَر تازه مست شده‌اند.

خطبه پطرس

¹⁴ پس پطرس با آن یازده برخاسته، آواز خود را بلند کرده، بدیشان گفت: ای مردان یهود و جمیع سکنه اورشلیم، این را بدانید و سخنان مرا فرا گیرید.¹⁵ زیرا که اینها مست نیستند چنانکه شما گمان می‌برید، زیرا که ساعت سوم از روز است.¹⁶ بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت:¹⁷ که خدا می‌گوید در ایّام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوّت کنند و جوانان شماروهایا و پیران شما خوابها خواهند دید؛¹⁸ و بر غلامان و کنیزان خود در آن ایّام از روح خود خواهم ریخت و ایشان نبوّت خواهند نمود.¹⁹ و از بالا در افلاک، عجایب و از پایین در زمین، آیات را از خون و آتش و بخار دود به

ظهور آورم.²⁰ خورشید به ظلمت و ماه به خون مبدّل گردد قبل از وقوع روز عظیم مشهور خداوند.²¹ و چنین خواهد بود که هر که نام خداوند را بخواند، نجات یابد.²² ای مردان اسرائیلی این سخنان را بشنوید: عیسی ناصری، مردی که نزد شما از جانب خدا میرهن گشت به قوّات و عجایب و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید، چنانکه خود می‌دانید،²³ این شخص چون برحسب ارادهٔ مستحکم و پیشدانی خدا تسلیم شد، شما به دست گناهکاران بر صلیب کشیده، کُشتید،²⁴ که خدا دردهای موت را گسسته، او را برخیزانید زیرا محال بود که موت او را در بند نگاه دارد،²⁵ زیرا که داود دربارهٔ وی می‌گوید: خداوند را همواره پیش روی خود دیده‌ام که به دست راست من است تا جنبش نخورم؛²⁶ از این سبب دلم شاد گردید و زبانم به وجد آمد بلکه جسد من نیز در امید ساکن خواهد بود؛²⁷ زیرا که تَفَس مرا در عالم اموات نخواهی گذاشت و اجازت نخواهی داد که قَدّوس تو فساد را ببیند.²⁸ طریق‌های حیات را به من آموختی و مرا از روی خود به خَرَمی سیر گردانیدی.²⁹ ای برادران، می‌توانم دربارهٔ داود پَطْرِیائِخ با شما بیمحابا سخن گویم که او وفات نموده، دفن شد و مقبره او تا امروز در میان ماست.³⁰ پس چون نبی بود و دانست که خدا برای او قسم خورد که از ذرّیّت صُلب او بحسب جسد، مسیح را برانگیزاند تا بر تخت او بنشیند،³¹ دربارهٔ قیامت مسیح پیش دیده، گفت که، تَفَس او در عالم اموات گذاشته نشود و جسد او فساد را نبیند.³² پس همان عیسی را خدا برخیزانید و همهٔ ما شاهد بر آن هستیم.³³ پس چون به دست راست خدا بالا برده شد، روح القدس موعود را از پدر یافته، این را که شما حال می‌بینید و می‌شنوید ریخته است.³⁴ زیرا که داود به آسمان صعود نکرد لیکن خود می‌گوید: خداوند به خداوند من گفت بر دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای‌انداز تو سازم.³⁵ پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است.

اولین کلیسای مسیح

³⁷ چون شنیدند دلریش گشته، به پطرس و سایر

رسولان گفتند: ای برادران چه کنیم؟³⁸ پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هریک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت.³⁹ زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند، یعنی هرکه خداوند خدای ما او را بخواند.⁴⁰ و به سخنان بسیار دیگر، بدیشان شهادت داد و موعظه نموده، گفت که: خود را از این فرقه کجرو رستگار سازید.⁴¹ پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعمید گرفتند و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوستند.⁴² و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت

می نمودند.⁴³ و همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت.⁴⁴ و همه ایمانداران با هم میزیستند و در همه چیز شریک می بودند.⁴⁵ و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می کردند.⁴⁶ و هر روزه در معبد به یکدل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی می خوردند.⁴⁷ و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می افزود.